

دررئای نسخه های مقتول، مجروح و مهجور (۱)

ابوالفضل حافظیان بابللی *

چکیده

این مقاله هشدار می‌دهد که در باب نسخه های خطی و اشاره ای است به آفاتی که تداوم حیات آنها را تهدید می‌کند. نویسنده عوامل نابودی نسخه های خطی را به بیست نوع تقسیم کرده و در این نوع تقسیم ابتکاری - که برای نخستین بار ارائه می‌شود - از اصطلاحاتی مانند نسخه های گورستانی، تنوری، انباری، پشت بامی، چاهی، هیزمی و مانند آن استفاده می‌کند، که همه بی توجهی به میراث مکتوب گذشتگان را نشان می‌دهد. نویسنده برای هر یک از این اقسام نمونه های مستند از گذشته و حال ذکر می‌کند. برخی از این نسخه ها، به دلیل عواملی مانند اسیدی شدن، اسیر حشرات و چونندگان شدن، رطوبت، رها شدن در طویله یا در میان زباله ها و ویرانه ها، صحافی های غلط، و گاه به دلیل شست و شوی عمدی بی استفاده شده اند.

کلیدواژه

نسخه های خطی - آفات و آسیب ها؛ میراث مکتوب - ضرورت توجه.

* کتابشناس، نسخه شناس و پژوهشگر در عرصه نسخه های دستنویس اسلامی.

ز تند باد حوادث نمی توان دیدن
در این چمن که گلی بوده است یا سمنی
از این سموم که بر طرف بوستان گذشت
عجب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی
حافظ

پیشکش به محضر مرجع فرهنگبان مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی ره؛ بزرگ حامی میراث مکتوب و بنیانگذار گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی که از دوران سخت طلبگی اش در جوار باب مدینه علم، تا ایام مرجعیت شیعیان در حوزه علمیه قم، با انگیزه ای الهی و استقامتی حیرت انگیز با همه توش و توان خویش به حفظ، گردآوری و احیاء آثار علمی دانشمندان پرداخت و خود را خادم علوم اهل بیت علیهم السلام می دانست و مرکز فرهنگی عظیمی که بنیان نهاد، ذخیره مکتب اهل بیت علیهم السلام گشت. زندگی اش داستان کرامت گونه جوانی طالب علم است که با دستان خالی ولی در شعاع عشق و تلاش، نقد عمر خویش را در راه حفظ و نشر آثار اسلامی صرف نمود. تا اینکه با یک دنیا عشق به کتاب، سلیمان ملک کتاب گشت و همچون خورشیدی درخشان به مجلس عاشقان و مشتاقان حقیقت و دانایی گرمی و روشنائی بخشید. «إِنَّ الْهَدَايَا عَلَىٰ قَدَرٍ مَّهْدِيهَا».

مقدمه

دانسته است که ارزشمندترین و مؤثرترین میراثی که از دانشمندان و اندیشه سازان هر منطقه و فرهنگی به یادگار می ماند، مجموعه آراء و نظریات و نوپافته های آنان در عرصه های گسترده و گوناگون دانش های الهی و طبیعی است که در گذار یک عمر تکاپو و تلاش علمی خستگی ناپذیر بدست آورده اند و در رساله ها و کتاب های تألیفی خود، بر روی کاغذها و دفترها نگاشته و به رایگان در اختیار آیندگان دانش دوست قرار داده اند.

باری نسخه های خطی حاملان اندیشه های اندیشه وران و فرهنگسازان بزرگی است: همچون کلینی، شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ طوسی، شیخ الرئیس ابوعلی سینا، شریف رضی، شریف مرتضی، خواجه نصیر، محقق حلی، علامه حلی، فخرالمحققین، شهید اول، شهید ثانی، شیخ

بهائی، میرداماد، ملاصدرا، مجلسی اول و دوم، فیض کاشانی و شیخ حر عاملی تا برسد به صاحب جواهر و شیخ انصاری و دیگر اعضای کاروان پرشمار علم و فضیلت که فخر بشریت و آبروی زمین اند. اینان پرده از رخسار دلربای دانش و خرد برداشتند و با پایمردی در تحصیل و تدریس و تألیف، به گسترش مباحث علمی و حل مسائل و مشکلات انسانها در زمینه های مختلف زندگی و هستی در طی اعصار کمک های شایانی کردند.

وظیفه ما در قبال این گنجینه سترگ ملی و علمی و دینی که به امانت به ما رسیده چیست؟ خطوطی که بر این برگهای کهن می بینیم یادآور خاطره هایی از سخت کوشی ها و مجاهدتها و در به دری های فرهنگ سازان بزرگ ماست در طلب علم و کمال. ما به کجائیم و امانت کجاست؟

در درازنای تاریخ چه طوفانها و سیل ها و آتش ها و غارت ها و تعصب های قومی و مذهبی و آسیب ها و آفت های گوناگون طبیعی پیکر نازنین آینه های معرفت را خراشیده و مجروح ساخته و یا به گورستان تزیین و تلف کشانده و از دسترس و استفاده نسل های بعد خارج ساخته است.

آیا این بوستان روح افزا حامی و نگهداری نداشته که به فکر گلها باشد^۱ و آنها را از دست قاتلان و چپاولگران فرهنگی نجات دهد؟ آیا کسی بر پیکرهای مجروح و چراغهای مرده به دست آن نامردمان اشک می ریخته است؟^۲

.... نیست شرح این سخن را منتها

اکنون نوبت ماست که به مسئولیت خطیرمان در حفظ و نگهداری مطمئن و شناسائی دقیق و فنی و احیای شایسته این متون ارزشمند، توجه کنیم و به اجرای وظایف خود اهتمام ورزیم. آحاد جامعه نیز باید در جریان اهمیت میراث مکتوب قرار گیرند و بدانند کتاب خطی ارجمندترین میراث فرهنگی هر کشور و در حقیقت هویت یک ملت است.

۱ برگرفته از عبارت «کسی به فکر گلها نیست» از شاعره ای ایرانی.

از دوست میراث پژوهمان جناب استاد حسین مسرت، دلنوشته ای در گزارش میراث (شماره پیاپی ۵۶-۵۷) به چاپ رسیده با عنوان «کسی به فکر نسخه ها نیست».

۲ در ماهنامه «مجموعه المخطوطات الاسلامیة» العدد الخامس - ذوالقعدة ۱۴۳۸ مقاله ای درج شده با عنوان «مخطوطات لا بواکی لها».



در این یادداشت اقسامی از آفات و بلایایی که بر مخطوطات وارد شده و می‌شود، به عنوان نمونه ذکر می‌شود، تا هشدار و اندازی باشد برای متولیان فرهنگی مان. باید برای نجات نسخه‌هایی که در اطراف و اکناف در شرایط نامطلوب بسر می‌برند و در حقیقت مهجور واقع شده‌اند و طبعاً بر اثر آفات و آسیب‌های گوناگون مجروح گشته‌اند و چه بسا در معرض تلف یا سرقت قرار دارند، فکری اندیشید و نهضتی به پا کرد. قدم نخست، شناسایی و فهرست‌نگاری نسخه‌هاست، سپس تصویر برداری فنی از آنها، آنگاه ترمیم و درمان با شیوه‌ها و دستگاه‌های پیشرفته و در صورت امکان و با در نظر گرفتن حق مالکیت و حق موقوف‌علیهم و موارد مصرف وقف در نسخه‌های وقفی و مانند آن، باید نسخه‌ها به مراکز و کتابخانه‌های بزرگی که به وسایل نگهداری مجهزند و از کارشناسان زبده برای شناسایی نسخه‌ها برخوردارند، انتقال یافته تا در دسترس میراث‌پژوهان قرار گیرد. پس از این مقدمه ضروری، دلنوشته‌های پراکنده خود را با عنوان «در رثای نسخه‌های مقتول، مجروح و مهجور» در بندهای متعدد به همه پژوهشگران و فرهنگ‌دوستانی که دل در گرو میراث مکتوب دارند تقدیم می‌نمایم، تا چه مقبول افتد و چه در نظر آید. پیش از ورود به ذکر اقسام، از به‌کارگیری برخی الفاظ و اصطلاحات که بعضاً ابتکاری است و از روی ناچاری از آنها استفاده شده و از اینکه در شأن میراث‌کرامندان نیست، عذر خواهم. انتظار دارم درمندان آگاه از وضعیت مخطوطات اندکی قلم را بر این گونه مصیبت‌ها بگریانند.

۱. نسخه‌های قبوری، گورستانی

تعبیری که کتابشناس و فهرست‌نگار بزرگ مرحوم استاد دانش پژوه، برای نسخه‌های نگون بختی به کار می‌برد که به دست وارثان ناخلف و نادان اهل علم و یا دیگر جُهل در گورستانها به خاک سپرده می‌شد.

به خوبی به خاطر دارم که روزی وارد مسجد محله مان در بابل شدم، دیدم سبیدی پر از کتاب در کنار درب ورودی مسجد قرار دارد که تعدادی قرآن و مفاتیح مندرس برای خاکسپاری در گورستان شهر در آنها نهاده شده است. کنج‌کاو شدم کتابها را یکی یکی بررسی کردم، با اینکه نوجوانی بیش نبودم و آشنایی چندانی با مخطوطات نداشتم، چند نسخه خطی در لابلای آنها یافتم؛ از جمله یک

قرآن به اصطلاح عمامه ای. پس از کسب اجازه از متولی مسجد که حتی سواد قرآن خواندن و امضا کردن را هم نداشت، نسخه ها را از دفن زیر خروارها خاک نجات دادم.

نمونه دیگر: یکی از مدارس علمیه را در شمال ایران که از بناهای ارزشمند و آثار ملی عصر قاجاریه بود به بهانه نفوذ رطوبت و دیگر مسائل که استفاده بهینه از حجره ها را دشوار می ساخت، از بیخ و بن کوبیدند و حتی یک دیوار از آن باقی نگذاشتند و در ایام کمبود مصالح ساختمانی و جیره ای بودن آن آلات در دوران سخت جنگ، بنایی جدید ساختند. از متولی مدرسه شنیدم که می گفت: هنگام پی ریزی بنای جدید، نسخه های خطی مندرس و برگهای پراکنده را در پی ساختمان ریختیم. وی اظهار تأسف می کرد از اینکه چرا من زودتر به سراغ مخطوطات آن مدرسه نرفتم که چنین بلایی بر سر اوراق با ارزش میراثی نیاید!

باز هم در جریان داستان غم انگیز دیگری قرار گرفتم: در یکی از روستاهای شمال، هنگام تجدید بنای زیارتگاه امامزاده مدفون در آنجا، نسخه های خطی موجود در مزار را در سه کیسه بزرگ آرد ریخته و در زمین مرطوب اطراف مزار دفن کردند. پس از پیگیری ها و سماجت های من، یکی از آن گونی ها را بیرون کشیدند ولی سوگمندانه رطوبت چنان در جان نسخه ها نفوذ کرده بود که از حیث ارتفاع خارج شده و به ناچار باید به جای اولش باز می گشت.

۲. نسخه های تنوری

از انواع و اقسام بلایا و نامهربانی ها که بر میراث مخطوط ما رفته، نهادن آنها در جاهای نامناسبی همچون تنور بوده که طبعاً موجب اتلاف و تزییع آنها می گشت.

به عنوان نمونه: طلبه ای از خراسان جنوبی به نزد آمد و تصویر برگهایی از چند نسخه ارزشمند را که در گوشی همراه خود داشت به من نشان داد و گفت: این نسخه ها را از درون تنور قدیمی منزل مان پیدا کردم، البته با کنار زدن خرواری از خس و خاشاک که بر روی نسخه ها ریخته بودند! وی گفت: تعداد معتناهی از نسخه های دیگر درون تنور قابلیت استفاده نداشته و در واقع نابود شده اند. در میان تصاویری که به من نشان داد، نسخه ای کهن از نهج البلاغه دیده می شد که به گمان من کتابت آن به اوائل سده هشتم هجری باز می گشت. نسخه ای بس گرانبها با کلمات اعرابگزاری شده که اگر دوست گرامی دکتر محمد کاظم رحمتی آن را می دید، در زمره نسخه های خراسانی و نیشابوری نهج البلاغه ثبت می کرد.

۳. نسخه های انباری

یکی از محل های رایج برای نگهداری کتابهای خطی در نزد عوام، انباری ها و سردابهای تاریک و نمور بوده تا اینکه مدتها و سالها و شاید دهها سال، خیال شان از بابت کثیفی و جاگیری و مزاحمت نسخه ها راحت باشد و روی نامطلوب شان را نبینند! شاید بسیاری از خوانندگان فرهیخته این نوشتار، نمونه هایی از نسخه هایی که در انباری ها پوسیده و جان باخته اند را دیده باشند.

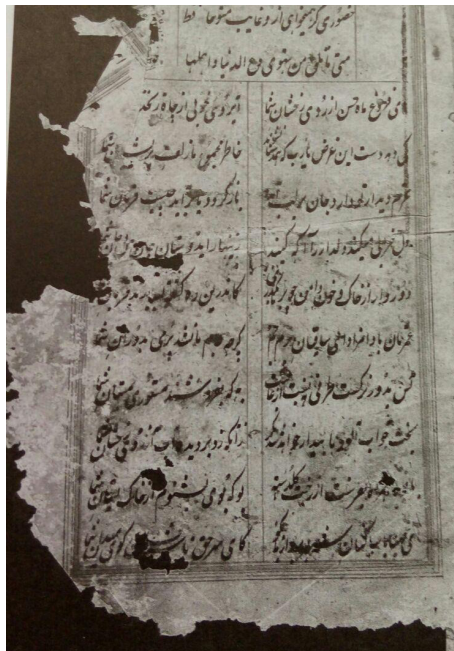
برای استاد فقید مرحوم آیت الله روضاتی جریان جالبی پیش آمد، وی می گفت: روزی برای تهیه میوه برای پذیرایی از مهمان از خانه خارج شدم و مشغول خرید میوه بودم که خانمی سالخورده و قد خمیده به طرفم آمد و درخواست کرد برای دیدن چند کتاب قدیمی به خانه اش بروم. از خرید میوه منصرف شده و به عشق کتاب به طرف خانه آن زن سالخورده در کوچه پس کوچه ها روان گشتم. به خانه کلنگی وی وارد و با راهنمایی صاحب خانه وارد دخمه ای شدیم که در کنار بیت الخلاء قرار داشته و از آنجا رطوبت به دیوارهای انباری نفوذ می کرد. پیرزن بقچه ای پر از کتاب را که در کنار دیواری نمناک قرار داشت برداشت و به دستم داد و گفت: این نسخه ها را ببر، اگر به کارت آمد استفاده کن و آلا آنها را در جایی دفن کن! حس کنجکاوای ام برانگیخته شد و می خواستم هرچه زودتر به محتوای درون بقچه آگاه شوم. با سرعت خود را به خانه رسانده محموله را باز کردم و اولین نسخه را که برداشتم، با کمال حیرت دیدم نسخه ای از کتاب «الامامة و التبصرة» والد شیخ صدوق است که تا کنون مفقود بوده و خبری از آن در فهرستهای مخطوطات درج نشده بود. این کتاب با تصحیح استاد علامه سید محمدرضا حسینی جلالی از روی همین نسخه منحصر بفرد بارها به چاپ رسید. نمونه ای دیگر: یکی از کتاب دوستان را شنیدم که می گفت: وارد خانه یک عتیقه باز شدم که دارایی اش را صرف خرید و جمع آوری اشیاء کهنه همچون انگشترهای قدیمی، آلبومهای تمبر، عکس های قدیمی، خمره های گلی و ظروف مسی و سماورهای برنجی و دیگر اشیاء قیمتی کرده و البته به خرید نسخه های نفیس هم اهتمامی داشت. از او سراغ مخطوطاتش را گرفتم، مرا به انباری که در زیرزمین واقع بود، راهنمایی کرد. وارد انباری که شدم با صحنه دلخراشی مواجه گشتم؛ دیدم نسخه های رحلی را روپوش خمره های بزرگ سرکه قرار داده و

بر روی آنها اجسام سنگینی گذاشته تا هوا درون خمیره نفوذ نکند و سرکه داخل آن فاسد نشود! پس از گذشت سالها سرکه داخل خمیره تبدیل به لجن شده و بر اثر بخار آن نسخه ها بخارپز شدند و آن عتیقه خر نگون بخت، از تضييع نسخه ها و ديگر اشياء قيمتي و قديمي خود، که يك عمر با صرف هزينه هاي کلان به گردآوري آنها پرداخته بود، نگراني نداشت!

۴. نسخه های گنبدي و پشت بامي

گاهی وجود کتاب در اتاق و کمد و قفسه ها که در جلوی چشم باشد، برای بعضی از اعضای خانه قابل تحمّل نیست، و این مطلب موجب سرگردان شدن نسخه ها می شده و برخی چاره کار را در افکندن آنها در گوشه ای از پشت بام می پندارند، در جایی کنار لانه کبوترها به طوری که باد و باران و حتی فضله کبوترها سر و روی و جلد و داخل نسخه را آلوده و فرسوده می کند و نگارنده چنین نسخه هایی را به چشم خود دیدم که بر اثر تابش خورشید و یا باران و یا خرابکاری پرندگان همچون کبوتر و قمری و گنجشک در پشت بام به طوری مستهلک شده که انسان اباۀ دارد از اینکه به آنها دست بزند.

در گذشته گنبدهای مساجد و مزارات که دو پوسته ای بود، از فضای خالی میان دو پوسته برای انباری استفاده می کردند. دوست دانشمندمان استاد شیخ الحکمایی (مدرّس رشته باستان شناسی دانشگاه تهران) مشاهدات خود را از نسخه های گنبدي چنین اظهار می کند: دست کم دوسه موردی که با چنین نسخه هایی برخورد کرده ام، با انبوهی از نسخه ها و اوراق خطی مواجه شدم که از قضا سالم تر از نسخه های آسیب دیده از آفت های دیگر بودند.^۱



نمونه ای از آسیب های وارده به نسخه بر اثر خوردن جانوران - شماره ۴

۱ استاد عماد الدین شیخ الحکمایی در پیام مکتوبی که برای نگارنده فرستادند، این فایده را عنوان کردند. از لطفشان سپاسگزارم.

در شمال ایران که پشت بام‌ها شیروانی است، فضایی خالی در زیر شیروانی‌ها قرار دارد که از آن به عنوان انباری استفاده می‌شود. نگارنده در مراجعه به منزل یکی از ائمه جماعت شهرمان - برای دریافت شرح حال پدرشان که از علمای بزرگ شهر بود - با وی وارد گفتگو شده و در میانه سخن، نامی از کتاب خطی آوردم. شیخ بزرگوار اظهار داشت: خوب شد از کتاب و نسخه نام بردی؛ ما تعدادی کتاب چاپ سنگی و نسخه خطی داریم که در هنگام تعمیر و بنایی منزل به ناچار آنها را در پشت بام نهادیم و الآن حاضریم به کتابخانه مدرسه علمیه شهر اهدا کنیم. بعد از پیگیری‌های لازم و با همکاری صمیمانه مالک سخاوتمند، تعداد چهل نسخه خطی و چهل کتاب چاپ سنگی که داشتند به کتابخانه مدرسه علمیه صدر بابل منتقل گشت و خدای را شکر که نسخه‌ها سالم مانده بود.

به هر حال پشت بام و گنبد و مانند آن جای مطمئن و مناسبی برای نگهداری کتابهای نفیس نیست و احتمال بروز هرگونه آسیبی به آنها را باید جدی گرفت.

۵. نسخه‌های چاهی

مایه تأسف است شنیدن اینکه چاه آب را مدفن پیکرهای نازنین دهها و صدها نسخه خطی کرده‌اند، که هر یک از آنها حامل بخشی از فرهنگ و دانش و هنر ملی و دینی ما بوده است.

عجیب اینکه چرا کسی مانع این گونه اعمال فجیع نمی‌شد!؟

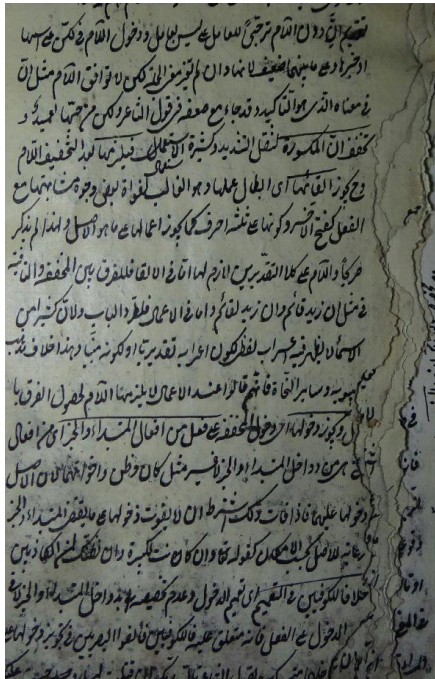
برایم نقل کردند: در یکی از محلات مرکزی تهران، مسجد و مدرسه علمیه ای از عهد ناصرالدین شاه قاجار بوده که در دهه سی شمسی برای تعمیرات روبنایی و تمیز و مرتب کردن حجره‌ها، طبق طبق نسخه‌های خطی و کتابهای قدیمی را از زیرزمین مسجد و مدرسه بیرون آورده و درون گونی‌ها جای داده و به درون چاه‌های مسجد و مدرسه افکندند! زهی جهالت!

۶. نسخه‌های رودخانه‌ای

بسیار اتفاق افتاده که افراد نا آشنا به اهمیت نسخه و سند و تصاویر تاریخی، آنها را به دید یک شیئی کثیف و جاگیر و مزاحم نگریسته، و یا برای حفظ احترام آیات قرآنی و کلمات حدیثی و اسماء معصومین علیهم السلام آنها را به نهرها و رودخانه‌ها می‌سپردند.

این کار نابخردانه و جگر سوز بارها در طول تاریخ و حتی در عصر حاضر، بسیاری از نفایس مان را به ورطه نابودی کشانده و می کشد. عمل این دسته از افراد نادان همان قدر خسارت بار است که یاغیان و طاغیان در حملات وحشیانه به شهرها و بلاد مختلف به طمع کشورگشایی، در کنار قتل و غارت ساکنین شهرها، با نابودی آثار علمی آنان، ضربه های سهمگینی به فرهنگ جوامع مختلف وارد کرده و بعضاً آنها را به ورطه نابودی می کشانند.

نسخه ای از یک کتاب حدیثی کهن در گنجینه مخطوطات کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی ره موجود است که



نمونه ای از آسیب های وارده به نسخه بر اثر پوسیدگی زیاد

در صفحه عنوان یادداشتی از مالک نسخه آمده مبنی بر اینکه این نسخه در حمله مغول به دجله افکنده شد و من آنرا از کنار نهر بیرون کشیدم و در اصلاحش کوشیدم.

استاد فقید مرحوم محقق طباطبائی (ره) خیر از گنجینه ای بسیار نفیس از مخطوطات می داد که در تملک یک تاجر بغدادی عاشق جمع آوری کتاب بود. فردی که برای خرید نسخه های نفیس، مبالغ هنگفتی می پرداخت و این نسخه ها به جانش بسته بود، به طوری که یکی از نسخه های او را برای امر تصحیح و مقابله نیاز داشتیم، راضی نشد نسخه را در اختیار ما بگذارد مگر اینکه در خانه او در نزد وی بخواهیم نسخه را ببینیم. تا اینکه این تاجر نسخه باز از دنیا رفت و به فکر افتادیم که از ورثه وی درخواست کنیم، مکتبه پدرشان را به کتابخانه آیت الله حکیم (ره) یا کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام - متعلق به علامه امینی (ره) - ببخشند تا ذخیره و یادگار خیری برای وی باشد. با خود گفتیم: صبر می کنیم تا چهل روز از درگذشت صاحب مکتبه بگذرد و فرزندان او از حالت عزا بدر آیند و بعد از آن به سراغشان برویم. زمان



موعود فرار رسید و برای گفتگو با فرزندان تاجر مذکور، به منزلش در بغداد رفتیم و خواسته خود را با آنان در میان گذاشتیم و با کمال تأسف با پاسخی ناگوار مواجه شدیم!

فرزندان ناخلف گفتند: اگر زودتر می آمدید نسخه ها را به شما می دادیم ولی چون دیدیم این کتابها کثیف و بی مصرف است، همه را در دجله افکندیم!

چقدر دردآور است برای گوهرشناسانی همچون محقق طباطبائی ره اینگونه اتفاقات عجیب و مهیب که گنجینه ای بی قرینه بر اثر جهل و حماقت افرادی که فقط دل به چرب و شیرین و زخارف فانی دنیا بسته اند و از دانش و فضیلت بویی نبرده اند، به ورطه نابودی کشیده شود؟ آیا اینان لحظه ای با خود فکر نکردند که جای چنین گوهرهای یکدانه ای گورستان و تنور و انبار و چاه و رودخانه نیست؟ نسخه هایی که آینه دار اندیشه های صدها دانشمند پر تلاش است که هر کدام برای تحصیل علم و تألیف آثار علمی یک عمر کوشیدند و از این شهر به آن شهر، راه های صعب العبور را با کمال مشقت با تحمل گرسنگی و تشنگی، فرسنگ ها پیمودند و حاصل این همه مجاهدتها را در قالب کاغذ و دفتر برای ما به یادگار نهادند. آیا این داروهای حیات بخش که می تواند درد نادانی و احساس خلاء معنوی انسان امروز را درمان نماید، مستحق اینگونه بی مهری هاست؟

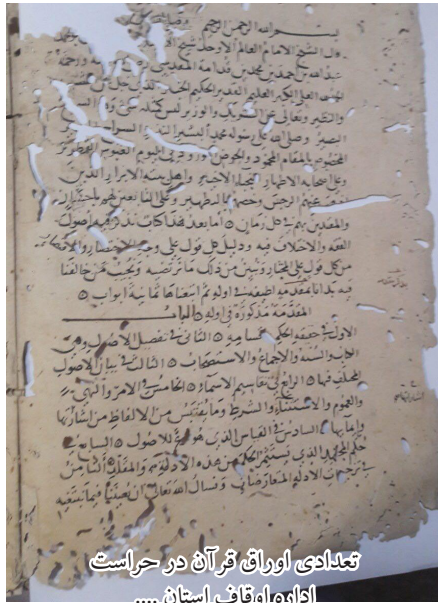
باز هم نمونه ای دیگر: سالها پیش در دست طلبه ای از خوزستان چند نسخه خطی دیدم که برای شناسایی و ارزیابی، آنها را به نزدم آورد. از او پرسیدم: این نسخه ها کجا بوده و چگونه بدست شما رسیده؟ در پاسخ گفت: نسخه ها را در کنار رود کارون پیدا کردم که درون کیسه ای ریخته و در گوشه ای رها کرده بودند، و من از میان کتابهای داخل گونی این سه چهار نسخه را انتخاب کرده و برداشتم. در بررسی آنها یکی دو رساله کمیاب و چاپ نشده در میان نسخه هایش دیدم.

۷- نسخه های سوخته، هیزمی و آتشی

نسخه هایی که بر اثر اهمال کاری در نگهداری، در آتش سوزی های غیر عمدی آسیب می بینند و یا کاملاً از بین رفته و تبدیل به خاکستر می شوند را می توان آسیب دیده از حوادث طبیعی به شمار آورد.

ولی جانسوزتر از اینها نسخه های
مجروح و مقتولی است که عمداً و با یت
های خباث آمیز در آتش قهر و نادانی می
سوزند و اثری از آنها باقی نمی ماند.

چه کتابخانه ها که بدست یاغیان جنگ
طلب به آتش کشیده شد. اخبار برخی از
کتاب سوزی ها بزرگ در کتابهای تاریخی
درج شده؛ همچون به آتش کشیدن کتابخانه



شیخ طوسی در بغداد^۱، و کتابخانه ابوطاهر خاتونی وزیر در ساوه^۲، و کتابخانه اعیان دیلم
در ری که به قدر بار ۵۰ شتر کتاب بود؛ مکتبه آل زین در شحور جبل عامل لبنان که شهرت
شحور به این مکتبه بود و به دست احمد پاشا جزار گماشته حکومت عثمانی به آتش کشیده
شد. جزار صاحب مکتبه (شیخ زین الدین خلیل الزین) را نیز کشت و پیکرش را به آتش
کشید؛ و دهها نمونه دیگر که در کشورگشایی ها، غارتگران نسخه ها را در میدانهای عمومی
شهر جمع می کردند و آنها را در آتش جهالت و نفرت خود می سوزاندند تا به زعم خود علاوه
بر کشتار ساکنان بلاد اشغالی، فرهنگ آنان را هم نابود سازند تا نام و اثری از آنان باقی نماند.
در باره انگیزه های کتاب سوزی ها در طول تاریخ در ادامه، مطالبی خواهد آمد و البته دانسته
است این گونه نامردمی ها در عصر حاضر نیز اتفاق افتاده و می افتد. دوستان مان در نجف و
کربلا با حسرت از دوران دیکتاتور سفاک عراق یاد می کنند که سر بازانش در حمله به عتبات
عالیات، مخطوطات هزار ساله عتبات را به عنوان هیزم برای طبخ چای استفاده میکردند. در

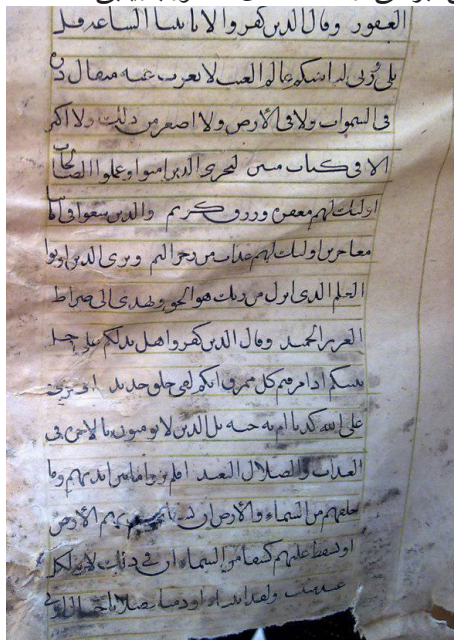
۱ طبقات اعلام الشيعة (النابس في القرن الخامس)، ص ۱۶۲ - ۱۶۱.

۲ عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقص (ص ۱۸) مخالفان مذهب تشیع را به مطالعه کتابهای موجود در کتابخانه
ابوطاهر خاتونی دعوت می کند. برای توضیحات بیشتر ر.ک: ساوه نام، ص ۸۲ - ۸۰.

این ایام نیز اخباری از اهتمام خائنه فرقه ضاله وهابیت به نابودی آثار امامیه بگوش می رسد. چنانکه حتی آثاری که در غیر زمینه های علوم قرآن و حدیث، مربوط به علوم دیگر باشد را از رده کتب علمی خارج دانسته و دست به نابودی آنها می زنند.

۸- نسخه های دیواری

پنهان کردن نسخه ها در لای دیوارها چه بسا به قصد محافظت آنها از دست قاتلان کتاب انجام می گرفت، ولی این روش در مواردی برای نابودی نسخه ها هم به کار گرفته می شد یا دست کم نهادن نسخه در لای دیوار به مستهلک گشتن شان منجر می شد، اگرچه قصد سوئی در کار نبود. در مناطق مسلمان نشین شوروی سابق، پس از انقلاب کمونیستی و دشمنی این سبکسران سلاح بدست با هرگونه مظهر دیانت و دین داری، مردم از ترس آنان کتاب ها را در لای دیوارها پنهان می ساختند به امید آنکه حکومت کمونیستها منقرض شود و کتابها را از دیوارها خارج کرده و استفاده نمایند، اگرچه تحقق این آرزو دهها سال به طول انجامید ولی شنیده ها حاکی از آن است که پس از فروپاشی حکومت کمونیستی، برخی از نسخه های مذکور بازیابی شدند.



برگی از قرآن کریم که سالها قبل از داخل دیوار یک خانه قدیمی در اصفهان یافتیم

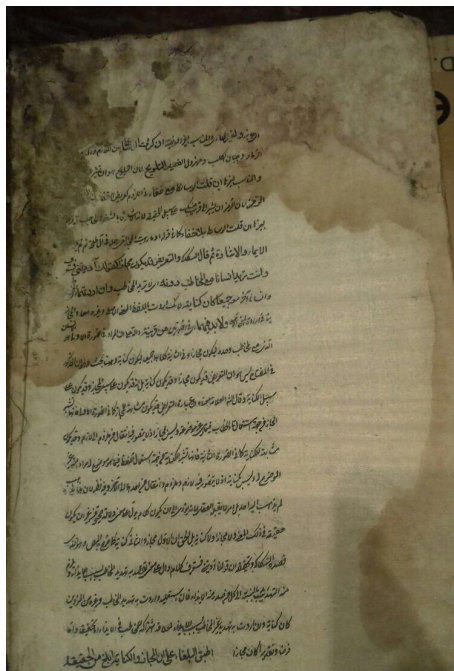
یکی از نمونه های جالب و مهم نسخه هایی که از لای دیوار بدست آمده، داستان شکافتن یکی از دیوارهای قدیمی آستان قدس رضوی در اواخر دهه چهل شمسی می باشد که در جریان آن نسخه های نفیس و کهنی از قرآن کریم و چند نسخه خطی بسیار نفیس دیگر و اشیایی باستانی و ارزنده بدست آمد؛ از جمله کهن ترین نسخه صحیفه سجادیه به روایت کزّامیه است که اخیراً به وسیله یکی از خوشنویسان عرب بازنویسی شده و به اهتمام مرحوم سید احمد فهری در دمشق به چاپ رسیده و نیز مرحوم استاد مدیر شانه چی

آن را تصحیح کرده و به صورت حروفی به چاپ رسانده است. تصویر نسخه مذکور، همراه با این دو چاپ در اختیار راقم سطور قرار دارد.

هم چنین تفسیر کهنی از قرآن موسوم به «تفسیر شنقشی» از همان دیوار بیرون کشیده شد که بعدها با تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی در تهران بوسیله (بنیاد فرهنگ) به چاپ رسید.

۹- نسخه های کارتنی

برخی افراد عاشق خرید کتاب و نسخه خطی اند، اما نه برای استفاده خود یا دیگران؛ بلکه برای این که کتابها و نسخه ها را در کارتن های کوچک و بزرگ بچینند و در کناری نهند و از این طریق، کتابها سالها در کارتن ها محبوس بمانند. ^۱ این هم یک قسم از اسارت نسخه ها در دست شیفتگان کتاب است که عملاً قاتل کتاب هستند. اینگونه مالکان نه خود از این نسخه ها بهره ای می برند - چون به فقر دانش و فضیلت مبتلایند - و نه اجازه می دهند پژوهنده ای از داشته های شان باخبر شود تا چه رسد به اینکه بخواهد از آنها بهره ای علمی ببرد. در این موارد آیه مبارکه « کمثل الحمار يحمل اسفارا» به ذهن انسان تداعی می شود!



نمونه ای از آسیب های وارده به نسخه

۱۰- نسخه های پنیر پیچ

قدیم ترها که مواد غذایی بسته بندی خاصی نداشت و از کیسه های پلاستیکی هم خبری نبود، از کاغذهای باطله برای پیچیدن انواع چیزها همچون گوشت، سبزیجات، پنیر، حلوا و

۱ دوست گرامی جناب استاد محسن صادقی خیر دادند از ۱۵۰۰ نسخه خطی متعلق به کتابخانه خصوصی یکی از علمای نسخه شناس نامدار ساکن تهران، که پس از رحلتش در کارتن ها چیده شده و حتی راه ورود اکسیژن به درون کارتن ها مسدود شده است!

مانند آنها استفاده می کردند و گاهی نیز برای غبار روبی و تمیز کردن پنجره های شیشه ای یا پوشاندن آن برای جلوگیری از نفوذ نور و گرد و غبار به سراغ کاغذ باطله می رفتند. به این مطلب در اشعار برخی از شعرای خوش ذوقی همچون شیخ بهایی اشاره شده است؛ آنجا که می گوید:

دیدي که بهایی چه غم از سر واکرد
کز مدرسه و دیر را ماوا کرد
اوراق کتابهای علم رسمی
از هم بدرید و کاغذ حلوا کرد

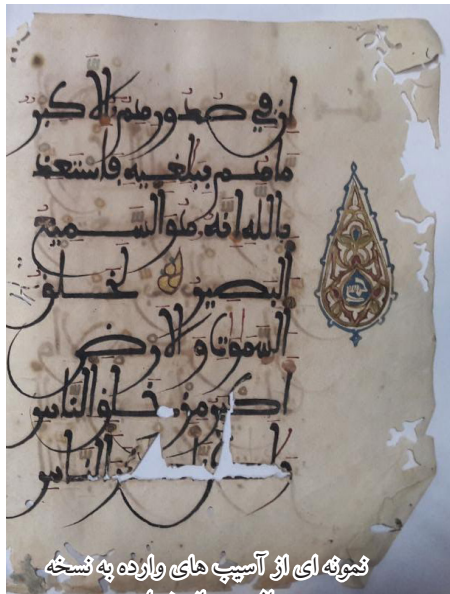
نقد خود را بهایی آخر سره کرد
در مجلس عشق، عقل را مسخره کرد
از مدرسه رفت و دیر را منزل ساخت
اوراق علوم، کاغذ پنجره کرد^۱

سه تن از بزرگان عرصه میراث پژوهی و نسخه شناسی، نسخه های سه کتاب فوق العاده مهم را در همین مکانهای (بقالی و قصابی و...) کشف کرده و از دست نا اهلان نجات دادند. مرحوم استاد همایی دانشمند نامدار معاصر مصحح کتاب فخیم «التفهیم» نسخه منحصر و کهن کتاب مذکور را، و مرحوم استاد سید محمد علی روضاتی مجلدات «مطالع الانوار» حجة الاسلام شفتی را به خط مولف، و پدر دکتر مهدی محقق «تفسیر کیوان قزوینی» را از این جاهای نامربوط که در شأن تراش علمی ما نبوده، بدست آوردند و زنده نمودند. آیا کسی فکر می کرد به این برگهای پیر و پیک های اندیشه و فرهنگ و هنر در این حد بی توجهی و بی احترامی شود؟!

۱۱- نسخه های خوراک جانوران

در این عصر انفجار اطلاعات و پیشرفت بشریت در عرصه های مختلف علمی و امکانات فراوان برای تحصیل و سوادآموزی، چگونه میتوان باور کرد که برگهای نسخه های خطی همچون علف و گاه خوراک بز و گاو شود و کتابخانه های متروکه محلّ جست و خیز میمونها و نسخه ها بازیچه آنها قرار گیرد؟ شبهه قاره هند یکی از کانونها و مراکز مهم تألیف و کتابت نسخه ها

۱ از دوستان گرامی ام جناب دکتر جواد بشری و استاد علی اکبر صفری به جهت یادآوری این ابیات سپاسگزارم.



نمونه ای از آسیب های وارده به نسخه
بر اثر موریانه خواری

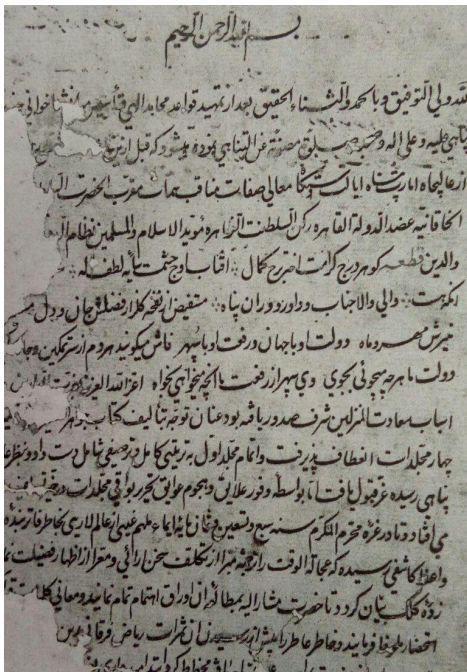
بوده است. کتابهای نگاشته شده در علوم اسلامی به زبان های فارسی و عربی، به دست دانشمندان بومی و محلی و علمای مهاجر به آنجا به قدری است که به آسانی به شمار در نمی آید. بر سر منطقه ای که روزگاری دریایی از میراث مکتوب را در برداشت چه آمده است؟ شرایط نامناسب آب و هوایی و بالا بودن درجه رطوبت، سرقت ها و غارتها و دیگر عوامل همچون دلال ها که موجب مهاجرت نسخه ها شده اند، همگی عامل نابودی نسخه ها می توانند باشند، اما این

یکی نوبر است که نسخه خطی خوراک گاو بشود؟! آیا کسی نیست به خود زحمت نجات نسخه ها از دست جانوران را بدهد؟ مگر این کار چقدر هزینه دارد؟

باید از مجاهدتهای خستگی ناپذیر استاد احمد منزوی فرزند مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی - که استاد ایرج افشار او را بحق ابن ندیم زمان لقب می داد- یاد کنم که با کوشش های بیدریغ و پایمردی اش، میراث فارسی را در پاکستان شناسایی و زنده کرد. کتابخانه گنج بخش بنیانی مرصوص و اقدامی حیاتبخش برای میراث علمی شبه قاره است که به دست با کفایت فرهنگ دوستان ایران اسلامی راه اندازی شده؛ راقم سطور در یادداشتی ضرورت تأسیس چنین مراکزی را در کشور افغانستان متذکر شدم. هند نیز برای حفظ میراث اسلامی به زبانهای عربی و فارسی به حمایت های سازمانهای فرهنگی جهان اسلام به خصوص فرهنگ دوستان ایران اسلامی نیاز دارد.

۱۲- نسخه های اسیدی

یکی از آسیب هایی که بر اثر نگهداری غیراصولی نسخه ها در مکانها و شرایط نامناسب به آنها وارد می شود، اسیدی شدن برگهای نسخه است. فرآیندی که کاغذ را تخریب نموده و موجب تُرد و شکننده شدن آن می شود و عملاً استفاده از نسخه را ناممکن می سازد.



نمونه ای از آسیب های وارده به نسخه

طبعاً نگهداری صحیح موجب طول عمر نسخه ها می شود؛ باید مراقب بود که میزان رطوبت، دما، نور و کیفیت گردش هوا در مخازن نسخه های خطی، در حد استاندارد بوده و آلاینده های شیمیایی و ذره ای آسیب رسان به فضای مخزن راه پیدا نکند. معمولاً مالکان خصوصی مخطوطات، نحوه صحیح حفاظت از نسخه را نمی دانند و یا امکانات لازم برای دفع و رفع آفات را در اختیار ندارند.

البته نوع کاغذ و مرکب که در نسخه نویسی بکار رفته تاثیر مهمی در طول بقای آن دارد. ممکن است نسخه ای با قدمت کمتر از دویست سال بر اثر اسیدی شدن از

حیث انتفاع خارج گردد و نسخه ای با هزار سال قدمت سالم و تر و تازه مانده باشد. به خاطر دارم مرحوم استاد عبدالحسین حائری (ره) نسخه هایی از قرن هفتم هجری را که بسیار پاکیزه و عاری از هرگونه آفتی بود نشان می داد و می گفت: اینکه برخی فکر می کنند هرچه نسخه کهنه تر باشد، آفت و آسیب بیشتری دارد، قاعده ای کلی نیست. چون قدما در نسخه پردازی از کاغذهای گران قیمت و مرغوب همچون کاغذ خانبالغ و سمرقندی استفاده می کردند که ماندگاری شان آنها را از دیگر نسخه ها ممتاز می ساخت. کاغذهای هندی که در نسخه های خطی یا کتابهای چاپ سنگی به کار رفته، بیشتر در معرض اسیدی شدن قرار دارد. به همین جهت کتابخانه ها از خوف پودر شدن برگهای کتاب، در سرویس دهی اینگونه کتابها عذر می آورند. از اینگونه نسخه ها باید با رعایت کمال احتیاط عکسبرداری نمود و تصاویر آنها را در اختیار پژوهشگران گذاشت.

۱۳- نسخه های طویله ای

از به کارگیری این تعبیر زنده در حق نسخه های نازنین شرمنده ام! چه کنم که خبرهای موثقی دارم از نسخه های ارزنده و گاه منحصر بفردی که در طویله ها و اصطبل ها جای داده شده و این قدر جفا و بی احترامی در حق شان روا داشتند.

تولیت فرهنگ دوست کتابخانه آیت
 الله العظمیٰ مرعشی نجفی (ره)، جناب
 حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود
 مرعشی حفظه الله، سفرهای بسیاری به
 اقصی نقاط کشور نمودند برای خریداری
 مخطوطات و از این سفرها خاطراتی عبرت
 انگیز نقل می کنند؛ از جمله تعداد معتابهی
 از نسخه های کهن از آثار ارزشمند شیخ مفید
 (ره) را در شهر عالم پرور کاشان، از داخل یک
 ... در آوردند.



نمونه ای از نسخه های طویله ای - خط
 علامه میرزا ابوالهدی کلباسی

و یا در اصفهان که زمانی مهد تمدن

آثار علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی (ره) و فرزندش علامه میرزا ابوالهدی کلباسی را در ...
 منزل برخی از بازماندگان یافتند که هنوز آثار آن بر اوراق قابل رؤیت است.^۱

۱۴- نسخه ای در زباله دانی!

صحنه ای دلخراش، که یکی از فضلا در پیامی برای نگارنده ارسال نموده، حاکی از اینکه:
 در هنگام عبور از کوچه ای، مجموعه ای از کاغذ و ورق که در درون کیسه زباله جای داده
 و در زباله دانی افکنده بودند نظرم را جلب نمود. با احتیاط و خجالت از نگاه مردم، کیسه
 را برداشتم و به خانه بردم و در گوشه ای پنهان کردم تا به موقع آنرا بررسی نمایم. اشتغال به
 کارهای منزل موجب فراموشی قضیه شد تا این که صدای اعتراض عیال از بوی تعفنی که در
 خانه پیچیده بود بلند شد و تازه متوجه غفلت خود شدم.

دور از چشم اهل منزل، کیسه را باز کردم و پوست خیار و سبزی های دور ریختنی را کنار
 زدم، اوراقی بهم لوله شده یافتم و به زحمت آنها را از هم جدا کرده و خشکاندم و مشغول

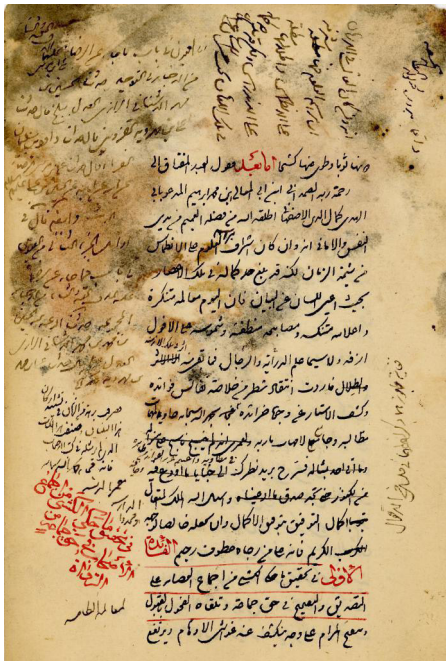
۱ جناب آقای رحیم قاسمی که اهتمام قابل تقدیری در شناسایی مخطوطات اصفهان دارند، خبر دادند: این اوراق در
 نزد جناب دکتر علی کرباسی زاده موجود است.

به خواندن برگها شدم و با کمال حیرت دیدم دست نوشته های یکی از علما در ترجمه متن عربی مقدّسی به زبان ترکی، آنهم به یک لهجه خاص است که متعلّق به منطقه ای خاص بوده است. تعداد برگها بالغ بر ۱۵۰ برگ گردید، آنها را به صحّاف زبردستی سپردم تا جلدی نفیس برای شان بسازد، سپس نسخه را به یکی از کتابخانه های بزرگ کشور اهدا نمودم و به مخزن مخطوطات آنجا راه یافت و در فهرست آن کتابخانه معرفی گردید.^۱

۱۵- نسخه هایی اندر دل ویرانه ها

گاهی در بناهای قدیمی مخروبه همچون خانه های متروکه تاریخی و مساجد ویران شده بر اثر بی توجهی متولیان امور، نسخه های خطی آرمیده اند؛ ساکت و آرام در فضایی سوت و کور، در تیر رس تند بادها، گرد و غبارها، سیلاب ها و گل و لای. نمونه نسخه های خرابه نشین بسیار است.

از علامه حسن زاده آملی (عافاه الله) شنیدم که در یکی از روستاهای لاریجان عبور می کردند به مسجد ویرانی رسیدند که در حیاط آن حدود ۳۰۰ نسخه خطی در میان گل و لای غوطه ور بود و سوگمندانۀ خارج شده از حیّز انتفاع از میان آنها یک نسخه را به زحمت خارج کرده و به قم با زحمت برگها را از هم تفکیک نموده و در برابر آفتاب آن را خشک کردند و با چاقویی گلهای اطراف برگها را تراشیدند و می فرمودند: نسخه ای ارزنده از تهذیب الاحکام شیخ طوسی بود که امتیازات قابل توجهی داشت.



نمونه ای از نسخه های طویله ای - خط علامه میرزا ابوالهدی کلباسی

۱ از دوست دانشورمان، کتابشناس شهیر جناب استاد حسین متقی (ناقل این حکایت تأسف بار و عبرت انگیز) سپاسگزارم.

یکی از دوستان اهل فضل از دوران کودکی اش می‌گفت که در خرابه‌ای از محلات قم، نسخه‌ای پیدا کردم و به پدرم - که از خطبای مشهور شهر بود - دادم و ایشان نسخه را به آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) تقدیم نمودند و ایشان بسیار خوشحال شدند.^۱

دوست نادیده دیگری از شیراز در پیامی برایم چنین نوشته^۲: در دهه هفتاد شمسی متولیان امر تصمیم گرفتند بخشی از بافت تاریخی شیراز - بین آستانه شاهچراغ و حرم سید علاء الدین حسین (ع) - را تخریب و بازسازی کنند. در این میان دهها خانه ثبت شده در میراث فرهنگی تخریب شد و آثار با ارزش موجود در آنها حیف و میل گشت و پس از گذشت سالها به جز چند باب مغازه در آن مسیر چندان بنایی ساخته نشد!

در یکی از آن روزها در میان خرابه‌ها می‌گذشتم، تعدادی کاغذ قدیمی پراکنده در سطح کوچه نظرم را جلب کرد، دنباله آن را گرفتم تا به بالاخانه قدیمی و مخروبه‌ای رسیدم و با کمال تعجب دیدم که کف اتاق مملو از این کاغذهاست. به سختی و بعد از رفت و آمدهای مکرر و پرداخت پولی کلان به باج‌گیر محل توانستم در آخرین ساعت روز که هوا در حال تاریک شدن بود، وارد اتاق شوم و به تندی هرچه را می‌توانستم در پلاستیکی جمع کردم، اما برداشتن همه اوراق امکان‌پذیر نبود و احتیاج به چندین ساعت کار و وسیله‌ای برای حمل آنها بود. سالها این اسناد را که مربوط به دوران مشروطه می‌شد نگهداری کردم و این اواخر اسناد مذکور را به مرکز اسناد فارس سپردم.

۱۶- نسخه‌های مجروح از حشرات

نسخه‌های خطی خوراک‌مورد علاقه مورپانه‌ها و سوسک‌های چوب‌خوار، شپش‌کتاب و سوسری‌هاست. حشرات و آفات آسیب‌رسان و جوندگان از عوامل آسیب‌رسان به کتابها و اسناد هستند. از جمله عوامل مساعدکننده رشد و تکثیر عوامل قارچی در کتابخانه، وجود گردوغبار، تهویه کم و نامناسب، نور کم، دمای بالا و رطوبت بالاست. نسخه‌ها پیش از ورود به مخزن، باید مدتی در قرنطینه نگهداری شود و سپس به صورت ادواری به مخازن مراجعه و اقدام به نمونه برداری شود و در صورت نیاز مراحل ضد عفونی انجام گیرد.

۱ از استاد ناصرالدین انصاری قمی بابت نقل این حکایت سپاسگزارم.

۲ گزارش ارسالی با تلخیص و حذف برخی مطالب در اینجا آمده، و راقم سطور از صحت و سقم آن اطلاعی ندارد.



چونندگان آسیب رسان، گاهی حفره هایی در بخش هایی از برگها ایجاد می کنند که در برخی موارد در یک موضع سوراخی به شکل های دایره یا مربع در اندازه های مختلف از برگ آغازین نسخه تا آخر نسخه کلمات را از بین برده و کتاب را ناقص می کنند. این ضایعه به خصوص در نسخه های منحصر بفرد غیر قابل جبران خواهد بود.

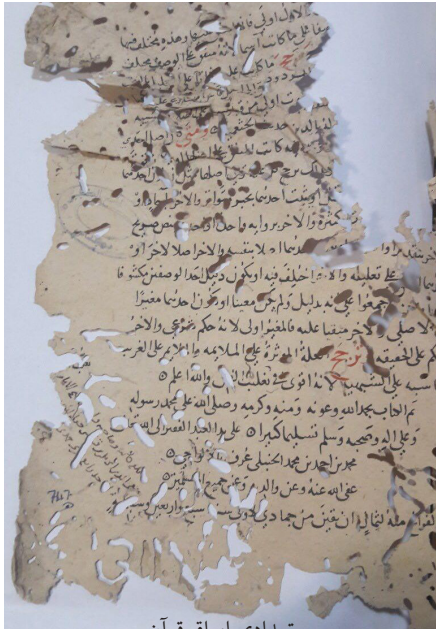
پیشینیان برای حفظ نسخه هایشان از شر مورپانه ها کلمه «یاکیکج» را در اول نسخه می نوشتند، بدین پندار که کیکج نام سلطان مورپانه هاست و استمداد از او، مورپانه ها را از آسیب رسانی به نسخه ها باز می دارد!

۱۷- نسخه های موش جویده

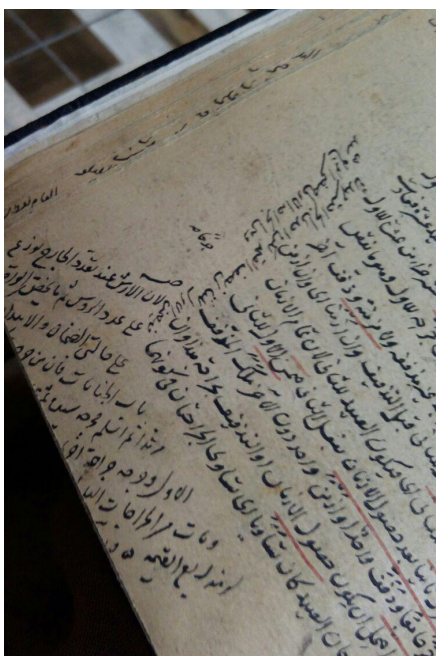
یکی از قاتلان جدی نسخه های خطی، موشهای موذی اند که با دندانهای تیزشان پیکر پیر و خسته مخطوطات را جویده، و آنها را مجروح یا معدوم می سازند. برای دفع این آفت باید از روشهای مؤثر و غیر مضر به نسخه ها استفاده کرد.

۱۸- نسخه های مجروح از تیغ صحافی

باید دانست تعمیر و اصلاح خرابی های نسخه، از دست هر صحافی و مدعی مرمت کاری نسخه بر نمی آید و هرگز در این موارد



تعدادی اوراق قرآن در حراست اداره اوقاف استان



نمونه صحافی ناشیانه که حواشی نسخه را بریده اند.

نباید نسخه را به صحّافان معمولی سپرد که عادت دارند به برش عطف و لبه برگها یعنی به تیت اصلاح ابرو، چشم طرف را کور می کنند. چه بسیار حواشی، تصحیحات، بلاغها، رکابه ها و نسخه بدل‌های مفید و راه گشا که در هامش برگها وجود دارد و صحّاف ناشی با برش برگها آنها را از بین می برد و با این کار از ارزش علمی و مادی نسخه کاسته می شود و مطالب مهم مندرج در هوامش نسخه که چه بسا به خط مولف یا علمای صاحب نام بوده، معدوم می گردد.

۱۹- نسخه های رطوبت دیده

رسیدن آب و رطوبت به نسخه، یکی از عوامل اساسی در مستهلک شدن آن است. گاهی شدت رطوبتی که به نسخه نفوذ کرده، به حدّی است که نوشته ها را سیاه و ناخوانا نموده و یا موجب پوسیدگی برگها شده و با کمال تأسف این برگهای زرّین تبدیل به اوراق مچاله شده و رنگ پریده ای می شود که هیچ گونه استفاده ای از آنها ممکن نیست.

باید راه نفوذ آب را به محلّ نگهداری نسخه ها نموده و نسخه را از اماکن مرطوب و خیس دور کرد. در هنگام نوشیدن آب و چای نسخه را در کناری بگذارید و بدست نگیرید و آنها را از دسترس کودکان دور کنید. در مناطق بندری همچون شمال ایران و کشورهایی همچون هند که میزان رطوبت بالاست، نسخه ها در معرض آسیب دیدگی قرار دارند. باید نسخه ها را در مخزن های مجهّز به امکانات لازم با تنظیم میزان رطوبت، دما، نور و هوا نگهداری کرد. درست گفته اند که نور خورشید و ماه هر جدیدی را کهنه می کند ولی باد و باران می تواند آنها را نابود سازد!

۲۰- نسخه های شسته شده!

در ردیف قبلی از نسخه هایی سخن به میان آمد که بر اثر اهمال کاری و تغافل از رطوبت آسیب می بینند و در اینجا از نسخه هایی گفتگو می شود که به عمد و از روی غرض ورزی برگها را می شویند و نوشته ها را با آب از بین می برند!

این عمل دوگونه قابل توجیه است: یکی اینکه به جهت مخالفت با محتوا و متون مندرج در نسخه ها با آب آنها را پاک می کردند و روی کاغذهای شسته شده، کتابهایی با مضامین مورد قبول شان می نوشتند؛ چنانکه جرج سارتن در کتاب تاریخ علم، از دوره قرون وسطی و حکومت کلیسا از برخوردشان با کتابهای فلسفه یونان این چنین گزارش می دهد.^۱

۱ با تشکر از استاد حیدر بیاتی به جهت یادآوری این نکته.

و دیگر اینکه در گذشته به جهت کمبود و گرانی کاغذ، مولفان و کاتبان دست به شستشوی کتابهایی که دیگر مورد نیازشان نبود می زدند و پس از محو نوشته ها و خشک کردن کاغذها از آنها برای استنساخ کتابهای جدید و مورد نیازشان استفاده می کردند.

و گاهی شست و شوی اوراق دلایل نفسی و معنوی داشت چنانکه خواجه شیراز فرماید:
بشوی اوراق اگر همدرس مایی که درس عشق در دفتر نباشد
و در جایی دیگر گوید:

چون صبا مجموعه گل را به آب لطف شست کج دلم خوان گر نظر بر صفحه دفتر کنم
در اینجا قسمت یکم نوشتار را به پایان می برم و به امید حضرت حق در قسمت دوم به بیان انواع دیگر اتلاف ها، جراحی ها و مهجوریت های نسخه های خطی خواهم پرداخت .
ذکر این نکته ضروری می نماید که مطالبی که تقدیم شد غالباً تجارب شخصی راقم سطور و یا تذکار برخی دوستان نسخه شناس بوده و منبع مکتوب چندانی در این زمینه دیده نشد.
از دوست دانشمند جناب استاد حسین واثقی که مقاله را پیش از چاپ خواندند و تذکرات مفیدی دادند، بی نهایت سپاسگزارم.
